

زنده باد آزادی!

از صفحه ۱۸

جنبش های توده ای در ایران و بویژه جنبش دانشجویی در ماه گذشته که هم چنان ادامه دارد می باشیم. دفاع از انسانیت و آزادی در بلند جایگاه این سیل خروشان قرار گرفته است. زندانی سیاسی آزاد باید گردد! به یک خواست عمومی و فوری تبدیل شده است. آزادی بیان و اندیشه از سینه ها بیرون آمده و در خیابان ها فریاد شده است. نهادهای بین المللی دفاع از حقوق بشر به محکوم نمودن جمهوری اسلامی ادامه داده و قطعنامه های متعددی طی سال گذشته صادر کرده اند. اما تمام این اقدامات در یک کفه از ترازوی عدالت قرار دارد و کفه دیگر که حضور رژیم ضدبشری جمهوری اسلامی است که هنوز بر روح و جان مردم سنگینی می کند. برای برهم زدن این تعادل باید نیروهای اجتماعی با متشکل شدن در کانون های مستقل خود مبارزه عمومی را حول شعارهای فراگیر سازمان دهند تا با نیروی متحد خود، رژیم جمهوری اسلامی ایران، این مانع جدی در راه هر تحول دموکراتیک در ایران را بربند و به زباله دان تاریخ بیفکنند.

پیروزی از آن توده هاست!

سنگسار محکوم گردیده اند که آخرین موارد آن مربوط به گل نیکرو و سیدیونس اسعدی در شهرستان نقده بوده است.

حکم قصاص در مورد ده ها نفر اجرا شده است. نابینا کردن، قطع دست راست، قطع پای چپ، پرتاب از کوه و اعدام در ملاعام شامل ده ها نفر گردیده است.

زندانی های سیاسی ملو از کسانی است که به جرم ابراز عقیده به بند کشیده شده اند. مجتبی حیدری، حسین مجاهد، فرزاد حمیدی، آرش کیخسروی، امیرحسین بلالی، قاضیان، امید عباس قلی نژاد، امیر عباس فخرآور، محمد علی دادخواه، ناصر زرافشان و صدها نفر دیگر به حبس های طویل المدت محکوم گردیده اند و نقض حقوق بشر در ایران بی انقطاع ادامه داشته است.

نمونه ها بیشمارند.

در مقابل این همه نامردمی ها و بی قانونی ها، شاهد خروش

جنبش دانشجویی ...

از صفحه ۷

در عین حال باید راهی هم برای این بار اعتراضات در اکثر گسترش جنبش و خروج آن از دانشگاه های، از تهران تا اهواز و از تبریز تا سیستان و بلوچستان، گسترش یافته است. اکنون فرصت بسیار مناسبی است تا بین دانشگاه های سراسر کشور هماهنگی ایجاد کرده و نوعی کمیته هماهنگی، شورای هماهنگی و ... شکل گیرد و مبارزات دانشجویان در سراسر کشور را هماهنگ کند. این هماهنگی به قدرت این جنبش می افزاید و امکان مقاومت آن را در مقابل تهاجمات حکومت بیشتر می کند و در عین حال تداوم بیشتر آن را نیز ممکن می سازد.

شهرها، بدون آنکه اطمینان از حمایت مردمی داشته باشند، یک اقدام نسنجیده است که نهایتاً به درگیری با باند های سیاه، لباس شخصی ها و بدنبال آن نیروهای انتظامی خواهد انجامید. در عین حال باقی ماندن در دانشگاه ها بدون تماس با دیگر نیروهای اجتماعی و مردم بتدریج این جنبش را تحلیل خواهد برد. فعالین جنبش دانشجویی باید با بهره گیری از تجارب این چند ساله و با بررسی شرایط، پاسخ مناسبی برای تداوم جنبش پیدا کنند. درگیری زودرس با نیروهای سرکوب حکومت، نتیجه مثبتی برای جنبش دانشجویی ندارد.



گزندی به انحصارات و سودجویی های سرشار آنها نمی رسد. بخش دیگری از سرمایه داران نوکیسه در تباری و شراکت با مسئولان دولتی و با بهره گیری اختصاصی از امکانات عمومی، بار خود را می بندند و جای خود را، با تعویض دولت، به گروه دیگری می سپارند. در دوره تشکیل دولت های مختلف اوزال، دمیرال، اجویت و اربکان طی سالهای گذشته، نیز وضع به همین منوال بوده

است. اکنون نیز، دسته ای از دلان، مقاطعه کاران، هتل داران بزرگ و دیگران، با پشتیبانی از حزب "عدالت و توسعه" و تشکیل دولت از طرف آن، در انتظار آنند که نوبت حضور آنها بر سر این خوان یغما هم فرا برسد. جدا از اینها، پیش بینی دقیق این که دولت جدید، به رهبری "عبدالله گل"، در این یا آن زمینه مشخص چه موضعی اتخاذ کرده و چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت، در

حال حاضر دشوار است. اما آنچه که از هم اکنون پیداست، اینست که این دولت با محدودیتهای متعددی در عرصه داخلی (فشارهای ارتش، بحران اقتصادی، اعتراضات توده ای) و در صحنه بین المللی (جلب رضایت "صندوق"، شرایط عضویت در "اتحادیه اروپا"، مسئله قبرس و ...) بر سر راه اجرای وعده های انتخاباتی متناقض و فراوان خود روبرو خواهد بود